

بررسی تبیین الزام‌ها و تکالیف شیوه‌های تبلیغ رسانه‌ها از منظر قرآن

موسی کاظم‌زاده^۱

چکیده

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی، شفاف‌ترین حق و حقوق، خوشبختی و رستگاری انسان‌ها را در قرآن بیان کرده است و در آیه‌های متعددی به این موضوع پرداخته است. رسانه به‌عنوان واسطه بین مردم و واقعیت‌ها و رویدادها بایستی آینه وفادار رخدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باشد. خبرنگار و رسانه در حقیقت امانتدار مردم در دستیابی به اطلاعات هستند و باید این امانت را به خوبی ادا کنند. حق مردم در جامعه اسلامی بر رسانه‌ها این است که از اخبار مفید، لازم و منطبق با مصالح جامعه برخوردار باشند. قرآن کریم نیز دستور می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» (سوره نساء: آیه ۵۸): خداوند به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به اهل آن بازگردانید. در نظام اخلاقی اسلام مردم و جامعه مورد احترام‌اند و هیچ‌گاه و به هیچ قیمتی نباید آبرو و حیثیت مردم وجه‌المصالحه قرار گیرد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های شیوه‌های تبلیغ رسانه‌ها، حق، حقوق و تکالیف رسانه‌ها با رویکرد درون‌دینی به آیات قرآن و تبیین عناصر اصلی حقوق انسان‌ها است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در این مقاله بر اساس گزیده‌ای از آیات قرآنی سعی شده است به زبان ساده «حقوق» و «تکالیف» وسایل نوین ارتباط جمعی از دید قرآن بیان شود.

واژگان کلیدی

قرآن، تبلیغ، حقوق، رسانه‌ها، عصر ارتباطات، اخلاق حرفه‌ای.

۱- پژوهشگر حوزه ارتباطات رسانه، فرهنگ و جامعه؛ دانشگاه تبریز، ایران

2822mkf@gmail.com

مقدمه

عصر رنسانس، عصر جداانگاری علم و دین و تفکیک قلمروهای آن دو است. یکی از مسائلی که در این عصر مورد توجه قرار گرفته، مسئله حقوق انسان و علم حقوق و نسبت آن با دین و گزاره‌های دینی بود. اسلام به عنوان دین خاتم و منطبق با فطرت همه آدمیان، همه اصول اخلاقی یاد شده را مورد تأکید و تصریح قرار داده و آیات قرآن و احادیث و سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) همگی مالا مال از رهنمودهایی است که می‌تواند اصول حرفه‌ای رسانه‌ای اسلامی شمرده شود. در تبیین اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ای از دیدگاه اسلام بایستی به تفاوت ماهوی تعاریف، کارکردها و اصول پذیرفته شده در علم رسانه‌ها با مضامین و اصول اسلامی توجه نمود.

انقلاب اطلاعات و فناوری رایانه‌ای و ارتباطات، جامعه جهانی را به واسطه توسعه پیشرفت در حوزه وسایل ارتباطی، در دو بُعد زمان و مکان متراکم کرده است. حاصل این توسعه و پیشرفت تشکیل دهکده جهانی است که در آن، انسان‌ها هرچند بسیار به هم نزدیک شده و از ناامنی بی‌خبری‌های یافته‌اند، اما در مقابل به‌خاطر ظهور پدیده «جهانی‌شدن» به‌ویژه در حوزه فرهنگ، با ناامنی جهانی مواجه‌اند؛ زیرا هویت فرهنگی و دینی جوامع از سوی تهاجم فرهنگی تهدید می‌شود.

«... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲) وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳)»، هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد، و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است (سوره طلاق: آیات ۲ و ۳).

دنیایی که ما در آن به سر می‌بریم، دنیای علل و پدیده‌هاست و هر چیز در پی سببی رخ می‌دهد. از دیدگاه قرآن پشت‌صحنه همه این اسباب و سبب‌ساز اصلی خداست. همه چیز به دست اوست. به همین دلیل می‌تواند راه‌های ناشناخته‌ای را بنمایاند و در

مشکلات، و آنجاکه همه درها بسته است، دری از رحمت خود را به‌روی بنده‌اش بگشاید. خداوند راه باز شدن این درها را در تقوای خود معرفی می‌کند. دوری از حرام و فراتر رفتن از خط قرمزهای الهی و انجام دستورهای او است. اسباب مادی و ظاهری گاه انسان را به هدف می‌رسانند و گاه او را در میانه راه رها می‌کنند. بر اساس آموزه‌های قرآن، تنها خداست که بر همه چیز احاطه دارد و بر هر کار تواناست. ازاین‌رو، کسی که خدا را وکیل خود در کارهایش قرار دهد و چشم امید از دیگران بردارد، هیچ‌گاه تنها نمی‌ماند. ازاین‌رو نگاه متقابل و تأثیر دو سویه نقش آموزه‌های دینی و اسلامی و رسانه نسبت به یکدیگر ازجمله موضوع‌هایی است که از دیدگاه‌های گوناگون مورد توجه و بررسی اندیشمندان علوم ارتباطات و سایر دانشمندان حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است، که آیا اصولاً رسانه‌ها که از ابزار نوپیدای تمدن بشری امروز و پل ارتباطی و بلکه وسیله تسلط بر افکار، اراده و احساسات بشریت دوران معاصر به‌شمار می‌آیند؟ آیا پاسخگوی تحقق ارزش‌های پیام معنوی و قدسی دین برای سعادت انسان‌ها است، یا نه؟ ضوابط و دستورهای دینی در رابطه با کارکردهای مختلف رسانه‌ها کدام است؟ نباید فراموش کنیم که نزدیک چهار دهه از عمر علوم ارتباطات در ایران می‌گذرد و ورود بعضی از رسانه‌ها در ایران عمری کمتر از دو دهه دارند و با توجه به قدمت این علوم در کشورمان و سابقه نه‌چندان روشن بررسی مسائل حقوقی رسانه‌ها، بر آن شدیم با توجه به آموزه‌های دینی و قرآنی به اهمیت این موضوع بیشتر پرداخته شود؛ بنابراین مقاله حاضر ضمن پرداخت به مفهوم حق و حقوق در قرآن، حقوق انسان‌ها و قرآن، شیوه‌های تبلیغ در قرآن و ارتباط در قرآن و همچنین بحث و بررسی حقوق در رسانه، رسانه و رسالت دینی، رابطه حقوق و اخلاق رسانه‌ها و اخلاق رسانه‌ای در اسلام نیز بخشی از مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱- طرح مسئله و اهمیت آن

در جهان معاصر، در عصر رسانه‌ها زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن رسانه‌های گروهی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی ما هستند. آنچه که رسانه‌ها به‌عنوان اطلاعات به ما

انتقال می‌دهند، به اشکال مختلف در نحوه زندگی، اندیشه و احساسات ما و حتی فرزندان ما تعیین‌کننده است. اما، این‌ها دلیل نمی‌شود که ما برده و اسیر این رسانه‌های گروهی شویم. خواست خداوند این است که ما انسان‌ها آزاده و خوشبخت باشیم.

خداوند متعال ما را آزاد آفریده است. ما باید این نعمت الهی را حفظ کنیم و برای حفظ این نعمت باید خود و زندگی خود را از زیر نفوذ و آثار منفی و سوء این رسانه‌ها خارج سازیم. ما نباید اجازه دهیم که آن‌ها با شستشوی ذهنی، کنترل زندگی ما را به‌دست گیرند و شخصیت ما را بر اساس استانداردهای مورد نظر خود پرورش دهند؛ شخصیت ما باید مستقل باشد، نه اینکه مانند یک رباط از قبل برنامه‌ریزی شده باشد.

آنچه در این خصوص مهم است این است که قرآن کتابی است که در تمام شئون انسان، از مبدأ و معاد و خلق و ایجاد، درباره فضایل اخلاقی و عمومی انسان نظر دارد. قوانین اجتماعی و فردی حاکم بر نوع انسان را به‌وضوح بیان کرده و هیچ مطلب کوچک و بزرگی از نظرش مخفی نمانده است. متأسفانه باید این واقعیت تلخ را بپذیریم که هنوز توجه به قرآن در جامعه ما یک امر عمومی نشده و قرآن همچنان در مهجوریت است.

به‌بیان‌دیگر، قرآن کریم کتابی الهی است که تمسک بدان در کنار عترت گرامی نبی مکرم اسلام، انسان را در صراط مستقیم حق، کمال و سعادت نگه داشته و چنگ‌زدن به این ریسمان محکم الهی، مانع از بروز هرگونه انحراف و کج‌روی در جامعه اسلامی می‌شود. متأسفانه این حبل متین الهی مورد کم‌مهری و کم‌توجهی مسلمین واقع شده و از این سفره بیکران الهی آن‌گونه که شایسته است بهره نبرده و توشعه نیاندوخته‌اند.

خداوند تبارک و تعالی هر آنچه برای سعادت و کمال بشر تا قیام قیامت لازم و ضروری بوده، در آیات و پیام‌های وحیانش قرار داده تا مسلمین به این کتاب، به عنوان قانون، دستورالعمل و آیین‌نامه طی طریق خویش، تمسک جسته، فرامینش را بر دیده نهاده و بدین‌گونه راه قرب الهی و رسیدن به کمال و سعادت را بپویند (شرفخانی، ۱۳۸۸، مقدمه).

در این میان باید گفت، متأسفانه قرآن، این کتاب مقدس برای ما به‌کتابی تبدیل‌شده که تنها در بعضی اماکن یا مراسم چون سر سفره عقد، مراسم عزا، موقع سفر، اسباب‌کشی، استخاره و... استفاده می‌شود؛ انسان، نیازمند ارتباط مستقیم با آفریننده و هستی‌بخش

خود است.

این ارتباط اگرچه از طریق مناجات و رازگویی درونی و قلبی انجام می‌گیرد، اما دسترسی به کلمات خود خداوند، بسیار لذت‌بخش و اطمینان‌آور است. این ویژگی به‌طور کامل، تنها برای قرآن مجید باقی مانده است و هیچ کتاب آسمانی دیگری چنین جایگاهی ندارد. بدون شک، انسان نیازمند قانون مدونی از سوی خداوند و مرشد و مرادی جاودان است تا از سیل به صراط مستقیم دست یازد و از گزند وسوسه‌های درونی و بیرونی در امان بماند. از این‌رو، باید توجه داشته باشیم که قرآن کتاب هدایت انسان به‌سوی رستگاری و رستن از بندهای جاهلیت کهن و نوین است؛ «الم (۱) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲) (سوره بقره: آیه‌های ۱-۲)».

قرآن کریم، سفره گسترده فیض الهی و کلام نورانی پروردگار انسان و جهان است. این منشور آسمانی، معیار و محک درستی و نادرستی اندیشه‌ها، احکام و رفتار به‌شمار می‌آید و هر چه با رهنمودهای آن ناهماهنگ باشد، فاقد ارزش و اعتبار است. از آنجاکه برای شناخت درست از نادرست در هر موضوعی به «معیار» و «میزان» نیاز است، رجوع به این کتاب الهی در هر زمینه، به‌ویژه اخلاق و خودسازی و هنجارهای رفتاری یک ضرورت است. این سند نبوت و معجزه جاوید حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، در صورتی می‌تواند در زندگی و اخلاق فردی و اجتماعی ما تأثیرگذار باشد که «امامت قرآن» را بپذیریم؛ به هدایت آن گردن بنهیم و آن را به‌عنوان «الگو» قبول و خود را به آن عرضه کنیم و ارزیابی اخلاق و عمل خویش را با این «میزان» انجام دهیم. آنگاه روشن می‌شود که چه کسی «اخلاق قرآنی» دارد و چه کسی از چنین تربیتی دور شده است.

۲- مفهوم حق و حقوق در قرآن

با توجه به آیات قرآن، برقراری امنیت، تأمین امنیت، استقرار عدالت و... را می‌توان ازجمله اهداف حقوق در قرآن به‌شمار آورد. از نگاه قرآن، هستی بر مدار حق می‌چرخد، آفرینش بر اساس حق آغاز شده، بر ملاک حق استمرار یافته و با معیار حق مورد داوری

نهایی قرار می‌گیرد: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ...» (سوره لقمان: آیه ۳۰)؛ «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ...» (سوره عنکبوت: آیه ۴۴) و «...فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ...» (سوره غافر: آیه ۷۸).

حق، واژه‌ای عربی است و معادل آن در زبان فارسی هستی پایدار و ثبوت است، یعنی هر چه از ثبات و پایداری برخوردار باشد (دمخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۸۱). کلمه حق و مشتق‌های آن در قرآن کاربرد فراوان دارد. «الحق» ۱۹۴ بار، «حق» ۳۳ مرتبه، «حقاً» ۱۷ مرتبه و «حقّه» سه بار در قرآن به‌کار رفته است.

این واژه که به‌صورت مصدر، اسم مصدر و صفت در آیات قرآن به‌کار رفته است، در معانی بسیاری به‌کار رفته است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: قرآن (سوره زخرف: آیه ۲۹)، اسلام (سوره اسراء: آیه ۸۱)، عدل (سوره اعراف: آیه ۸۱)، توحید (سوره زخرف: آیه ۱۶)، صدق (سوره یونس: آیه ۴)، قرض (سوره بقره: آیه ۲۸۲)، دلیل (سوره حج: آیه ۴) و

برخی از مفاهیم حق در قرآن با اصطلاح به‌کار رفته از طرف حقوق‌دانان و فقیهان، هماهنگ و همخوان است؛ مانند آیات: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ»، و در اموال آن‌ها حقی برای سائل و محروم است (سوره ناریات: آیه ۱۹)؛ «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴) لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ» و آن‌ها که در اموالشان حق معلومی است برای تقاضاکننده و محروم (سوره معارج: آیه‌های ۲۴-۲۵)؛ «...فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا...»، و اگر کسی که حق بر ذمه اوست سفيه یا ضعیف است... (سوره بقره: آیه ۲۸۲)؛ «...وَلِيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ...»، و آن کسی که حق بر عهده اوست باید املا کند (سوره بقره: آیه ۲۸۲) و «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ...»، پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه‌ماندگان را ادا کن (سوره روم: آیه ۳۸).

این‌گونه است که حق در شمار یکی از مفاهیم محوری قرآن قرار گرفته و ساختارهای مختلف آن بیش از ۲۸۰ مرتبه در آیات وحی به‌کار رفته است. در قرآن نیز «حق» کاربردهای مختلفی دارد. گاه به‌معنای «حق بودن» و «باطل نبودن» به‌کار رفته است و زمانی به‌معنای «حق داشتن»؛ آیاتی مانند: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...» (سوره حجر: آیه ۱۵)، «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (سوره اسراء: آیه ۸۱) و «...إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...» (سوره لقمان: آیه ۳۳). همچنین آیه‌های بسیاری است که

«حق بودن»، «عینیت داشتن» و «مطابقت داشتن با واقع» را می‌فهماند. و آیاتی مانند: «... وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ...» (سوره انعام: آیه ۱۴۱) و «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ...» (سوره اسراء: آیه ۲۶) (ترابی، ۱۳۸۲).

حقوقی که در قرآن به صورت قاعده حقوقی مطرح شده است موردی و شخصی نیست، بلکه عام و فراگیر است. چنان‌که قواعد حقوقی متعارف نیز چنین ویژگی دارند. چه اینکه بر اساس آیات قرآن تمام انسان‌ها در برابر قانون مساوی هستند و هیچ فردی بر دیگری برتری ندارد؛ برای نمونه، یکی از حقوق شخص انسان که در شمار حقوق غیرمالی قرار داده شده است، حق مصونیت از لطمه زدن به حیثیت و شرافت است. هیچ شخص یا مقامی نباید به این حق مسلم انسان تعدی کند و با تهمت، افتراء، دروغ و... حیثیت و آبروی افراد را ببرد. «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (سوره نور: آیه ۲۳)، و کسانی که اتهام به بدکاری می‌دهند زنان نیکوکار ایمان آورنده بی‌خبر از همه جای را، خدا آن‌ها را در دنیا و آخرت لعنت می‌کند و برای آن‌ها عذابی بزرگ است.

ریشه حقوق را می‌بایست در مناسبت‌های افراد و گروه‌های جامعه جست. افراد جامعه بر اثر روابط و مناسبت‌های خود یک رشته اختیارها و امتیازهایی را به‌دست می‌آورند که به مجموعه آن حقوق می‌گویند. این اختیارها و امتیازها مشتمل بر اختیارهای مدنی، اجتماعی، سیاسی و همه مزایا و سلطه‌هایی است که قانون ناشی می‌شود. انسان از نظر جامعه‌شناسی شخصی است که می‌بایست حقوقش رعایت شود. از این‌روست که قرآن به بینش و نگرش انسانی بهایی ویژه می‌بخشد و بر این باور است که گرایش، کنش و واکنش‌های انسانی را بینش و نگرش او سامان‌دهی و سازمان‌دهی می‌کند. «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، آن سرای [پرارزش] آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین هیچ برتری و تسلط و هیچ فسادی را نمی‌خواهند؛ و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است (سوره قصص: آیه ۸۳).

قرآن کریم بیان می‌دارد که همه انسان‌ها در حقوق اجتماعی مساوی هستند. «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ

النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ»، به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هرکس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فسادى در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته، و هرکس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است. و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به [تجاوز از حدود حق و فساد و] زیاده‌روی برخاستند (سوره مائده: آیه ۳۲). در این آیه تأکید شده است که همه انسان‌ها از تساوی در حق حیات و زندگی برخوردار می‌باشند.

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»، ایراد و محکومیت فقط متوجه کسانی است که به مردم ستم روا می‌دارند و به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، اینانند که برای آنان عذابی دردناک خواهد بود (سوره شوری: آیه ۴۲).

همان‌گونه نیز حقوق همگانی همه محترم است و انسان‌ها نباید برخلاف این حکم عمل کنند. قرآن، همچنین برای تحکیم و تقویت دفاع از حق و حقوق انسانی و اجتماعی به نقش حاکمان و قاضیان اشاره کرده و از آنان خواسته در دستیابی مظلومان به حقوق خود آنان را یاری و کمک کنند. «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، و اموالتان را در میان خود به باطل و ناحق مخورید و آن را به‌عنوان رشوه به‌سوی حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را [با تکیه بر حکم ظالمانه آنان] به گناه و معصیت بخورید، درحالی‌که [زشتی کارتان را] می‌دانید (سوره بقره: آیه ۱۸۸).

از اینکه برخی از حاکمان و اهل قدرت به همراه برخی از قضات به‌جای حمایت از مظلومان و حقوق ایشان به‌مدد و یاری متجاوزان به حقوق می‌روند، سرزنش و نکوهش می‌کنند؛ چنان‌که برخی از مردم برای توجیه تجاوز و تعدی به حقوق اجتماعی و انسانی دیگران به احکام قضات و حکام پناه می‌برند، امری ناهنجار و زشت دانسته و از ایشان می‌خواهد که با این روش‌های نادرست حق مردم را پایمال نکنند.

آیات متعددی از قرآن کریم به‌صورت‌های گوناگون با تأکید و صراحت کامل

به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یا هم‌زیستی دینی سفارش شده است. از نظر قرآن کریم پیش گرفتن روش‌های اهانت‌آمیز نسبت به دیگران یک روش ناپسند به‌شمار می‌آید.

یکی از ابعاد آزادی، «آزادی فکر و اندیشه» است. قرآن در آیه‌های متعددی انسان را به تعقل، تدبر و اندیشه در جهان هستی فرامی‌خواند؛ از او می‌خواهد که به‌وسیله نیروی عقل، منافع و مضار خویش را بشناسد و در جهت کمال و آزادی از هرگونه اسارت‌ها، پلیدی‌ها و گمراهی‌ها قدم بردارد.

در جهان‌بینی الهی همه انسان‌ها مخلوق، مربوب و مرزوق یک خالق واحدند و از حیث وجودی هیچ‌یک از این خلائق مرتبه ذاتی بر دیگری ندارند و امر شده‌اند که در کنار یکدیگر از مواهب الهی بهره گیرند و به حریم حقوق یکدیگر تعدی و تجاوز نکنند و با مدارا و مودّت و دوری از حرص و عقد و حسد، مشتری حیات طیبه و ذی‌معقول گردند؛ در نگرش قرآنی انسان‌ها در اطوار و احوال مختلفی خلق شده‌اند «وَقَدْ خَلَقْكُمْ أَطْوَارًا» (سوره نوح: آیه ۱۴) و حکمت بالغه الهی چنان رقم خورده است که در پس این تفاوت‌ها کمال و استکمال نهفته باشد «... وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً...» (سوره مائده: آیه ۴۸) و خداوند برای هر امتی به فراخور ظرف زمان و مکان ایشان شریعت و منهاجی ترسیم فرموده، «لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (سوره مائده: آیه ۴۸)، اما در این میان فطرت، میثاق مشترک انسان‌ها و خداخواهی گوهر وجودی تمام آحاد بشر است.

انسان‌ها در مبدأ و معاد مشترکند و علی‌رغم تفاوت‌ها و اختلاف‌های عرضی که دارند در گوهر وجودی خویش ذاتاً یکسانند؛ احکام اسلام از آنجاکه متضمن سعادت انسان در دنیا و آخرت است نه فقط معطوف به قرارداد اجتماعی و توافق عمومی بلکه فراتر از آن سعادت حقیقی انسان را نشانه می‌رود و دنیای انسان را نه منقطع از مبدأ معاد بلکه مزرعه و متجر (محل تجارت) برای آخرت و متصل به مبدأ و معاد انسان می‌بیند و لذا احکام و مقررات خود را بر این افق منطبق می‌نماید.

متأسفانه در طول تاریخ شاهد بوده‌ایم که برخی طرفداران نحله‌ها و گروه‌های مختلف با این توجیه که قانون طبیعت غلبه قوی‌تر بر ضعیف‌تر است، درصدد برآمده‌اند اراده و منفعت خود را بر دیگران تحمیل کنند و ابناء بشر را با تمسک به گفتمان غیرانسانی

«الحق لمن غلب» از زندگی مسالمت‌آمیز محروم کنند.

در این بحث سؤال این است که تأمین عدالت برای چه کسی، برقراری امنیت به چه منظوری و استقرار عدالت به کدام هدف؟ آیا قواعد حقوقی و حقهایی که در قرآن بیان شده است برای تأمین و برقراری امنیت در حقوق فردی است یا این قواعد برای تکامل اجتماع و جامعه اسلامی وضع شده است.

در نگاه قرآن، انسان موجودی است دو بُعدی، با دو میدان نیاز و متناسب با آن دو میدان حقوق. انسان از یکسو دارای بُعد جسمانی و نیازهای مادی و حقوق متناسب با آن است و از سوی دیگر دارای روح و نیازهای روحی و معنوی و متناسب با آن دارای حقوق معنوی است:

«...وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سوره سجده: آیه ۷): خداوند آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي ...» (سوره حجر: آیه ۲۹): پس آن‌گاه که جسم آدم سامان یافت و تکمیل شد و از روح خویش در آن دمیدم...؛ «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا ...» (سوره بقره: آیه ۳۵): و آن‌گاه که گفتیم ای آدم، تو و همسرت در این بهشت سکنی گزینید و از هر چه می‌خواهید بخورید. در این آیه انسان، نیازمند به مسکن و غذا و برخوردار از آن حق دانسته شده است. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (سوره انسان: آیه ۳): ما انسان را به راه بایسته و صحیح هدایت می‌کنیم و او یا شکرگزار خواهد بود و یا کفرپیشه. دراین آیه و مانند آن نیاز معنوی انسان به هدایت و قدرت انتخاب‌گری وی یادآوری شده است (بهرامی، ۱۳۸۸).

دراین‌راستا باید توجه داشته باشیم که امروزه نقش و جایگاه رسانه‌ها در حدی است که زندگی افراد بشر بدون آن قابل تصور نیست، رسانه‌ها دیگر فقط وسیله سرگرمی به حساب نمی‌آیند، بلکه در عرصه‌های اجتماعی و فردی انسان‌ها دخالت دارد.

دنیایی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، دنیایی است که بدون غوطه‌ور شدن در حجم‌هایی از اطلاعات و داده‌های دیجیتال و الکترونیکی اداری و خانگی، در بیشتر موارد نمی‌توان گذران زندگی کرد؛ طوری که در اکثر امور زندگی به همین داده‌ها وابسته شده‌ایم. با توجه به تحول‌های عظیم در بهره‌گیری از رسانه‌ها، نظام سلطه از رسانه‌های نوین دیداری، شنیداری

و نوشتاری، برای تحمیل اراده خود بر ملت‌ها استفاده می‌کند (حسنلو، ۱۳۸۱).

با توجه به این معقوله می‌توان گفت، بعضی قدرت‌ها با سوءاستفاده از قدرت نفوذ رسانه باعث پایمال شدن حقوق انسان‌ها در سایر کشورها شدند، به‌طوری‌که با قدرت رسانه‌های خود باعث تضعیف و به‌استعمار کشیدن کشوری کوچک و ضعیف شده‌اند؛ برای نمونه امام خمینی (ره) به‌عنوان معمار نظام جمهوری اسلامی بارها بر نقش آموزشی رسانه‌ها و رسالت آنان تأکید کرده‌اند. به‌عقیده ایشان «رسانه‌های گروهی به‌ویژه صداوسیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی، می‌توانند خدمات گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۹، ص ۱۰۹)؛ رسانه باید «روشنگری... داشته باشد و مردم را هدایت کند» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۸، ص ۱۸).

حضرت امام به اصحاب رسانه‌ها هشدار می‌دادند که «در نوشته‌هایتان به خدا توجه داشته باشید. بدانید که این قلم که در دست شماست، در محضر خداست و اگر هر کلمه‌ای نوشته شود، بعد سؤال می‌شود که چرا این کلمه نوشته شده است. اگر به‌جای این کلمه بشود یک کلمه خوب‌تر نوشت، از شما سؤال می‌کنند چرا این کلمه زشت را نوشته‌اید» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ص ۲۵۱)؛ «قبل از اینکه تیترا را بخواید درشت بنویسید با خودتان خلوت کنید و ببینید که برای چه این کار را می‌کنید؟ مقصد شما چه است» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۴، ص ۶۹).

۳- حقوق انسان‌ها در قرآن

نخستین منبع حقوق در نظام حقوق اسلامی، قرآن است. تواتر و اعجاز قرآن و مرجع بودن آن برای زدودن ناسازگاری‌ها که در آیه‌های زیر آمده نشانگر حجیت قرآن است:

«قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (سوره اسراء: آیه ۸۸)؛ بگو اگر انسان‌ها و جنیان اتفاق کنند که همانند این قرآن بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را کمک کنند.

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره بقره: آیه ۲۳)؛ و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک و تردید

دارید، یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را فراخوانید؛ اگر راست می‌گویید.

«تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره سجد: آیه ۲)؛ این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده و شک و تردیدی در آن نیست.

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (سوره نساء: آیه ۱۰۵)؛ ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته در میان مردم قضاوت کنی، و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی!

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (۴)» (سوره نجم: آیه‌های ۳ و ۴)؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! (بهرامی، ۱۳۸۲).

دین مبین اسلام از آنجاکه تمامی ابعاد وجودی انسان و حیات اجتماعی را دربرمی‌گیرد و سازوکار ذی‌مطلوب و حیات حکیمانه و سعادت‌مندان را تبیین می‌کند. تاریخچه حقوق بشر دواستانه در اسلام به عصر نبوت و نزول قرآن کریم مربوط می‌شود، آن‌هم در شبه جزیره عربستان و با شرایط بسیار اسفباری که بر آن محیط حاکم بود. اسلام آمد و بر تمام نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های خشونت‌بار و وحشیانه پایان داد و خود نیز به‌عنوان پرچمدار رعایت شرایط و ضوابط نه‌تنها بر این قبیل اصول تأکید نمود بلکه به‌طور کامل رعایت و دستورهای لازم را در این رابطه به پیروان خود ارائه نمود. رعایت حقوق یاد شده به‌عنوان وظیفه و تکلیف مطرح شده و درحقیقت یک نوع تکلیف شرعی و قانونی و دستور لازم‌الاجرای اخلاقی است.

با توجه به آیات قرآن، برقراری عدالت در بین همه انسان‌ها را می‌توان از اهداف حقوق در قرآن به‌شمار آورد. در نگاه قرآن، خداوند متعال اصل همه هدایت‌هاست که در صورت توسل به آن، همه انسان‌ها در مسیر درست هدایت می‌شوند. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (سوره انسان: آیه ۳)؛ ما انسان را به راه راست و صحیح هدایت می‌کنیم و او یا شکرگزار خواهد بود و یا کفرپیشه. دراین آیه و مانند آن نیاز معنوی انسان به هدایت و قدرت انتخاب‌گری وی یادآوری شده است.

انسانی که قرآن معرفی می‌کند برای ارضای خواسته‌ها، نیازها و تمایل‌های خود

بایستی در کنار دیگران زندگی کند. زندگی در انزوا از نظر قرآن، یک بدعت است و نه یک رهنمود دینی. مجموع این نظرگاه‌ها به انسان، این نتیجه را به دست می‌دهد که انسان در نگاه وحی هم شخصیتش موضوعیت دارد و هم جامعه‌اش، هم جسمش و هم روحش، هم حقوق مادی دارد و هم حقوق معنوی و به فرد و جامعه باید همپای هم اندیشید.

انسان به دلیل ساختار خاص وجودیش، هم دارای حقوق طبیعی است و هم دارای حقوق اجتماعی. حقوق طبیعی انسان، نشئت یافته از ساختار مادی و روحی است که وی را نیازمند به تأمین جسم و تغذیه روح کرده است و حقوق اجتماعی او ریشه در ناگزیری انسان از تشکیل خانواده و انتخاب همسر و الفت با محیط خویشاوندی وی دارد.

از آنجاکه از دیدگاه اسلام و قرآن، آفرینش جهان، هدفمند و دارای غایت است و شعوری کلی بر نوامیس آفرینش حاکم است و هدف کلی از آفرینش نیز همان کمال انسان است. در قرآن، میان فرد و اجتماع، ارتباطی وجود دارد، از این رو برای اجتماع و ملت، اجل، کتاب، شعور، فهم، عمل، طاعت و معصیت بیان می‌کند، چنان‌که برای افراد انسان، مسئولیت، حق و تکلیف قائل شده است.

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (سوره اعراف: آیه ۳۴)، برای هر قوم و جمعیتی زمان و سرآمد (معینی) است و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرارسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند؛ «... كُلُّ أُمَّةٍ جَائِيَةٌ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا...» (سوره جاثیه: آیه ۲۸)، هر امتی به‌سوی کتابش خوانده می‌شود؛ «... زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ...» (سوره انعام: آیه ۱۰۸)، این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم.

پس از حقوق طبیعی، نیازها، منش‌ها و طلب‌های ساختاری وجود انسان، مسئله عدالت، قسط، تحقق و پایداری آن از دیگر مبانی قوانین حقوقی قرآن است. تا آنجاکه هدف از رسالت پیامبران، برقراری قسط و عدل معرفی شده است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (سوره حدید: آیه ۲۵)، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند؛ «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (سوره یونس: آیه ۴۷)، برای هر امتی رسولی است، هنگامی که رسول ایشان به‌سوی آنان بیاید به

عدالت در میان آن‌ها داوری می‌شود و ستمی به آن‌ها نخواهد شد.

در نهایت می‌توان گفت که عدالت در تاروپود قوانین، مقررات و حقوق قرآنی رسوخ کرده و هیچ تکلیف، قانون و حقی ناسازگار و ناهماهنگ با عدالت نیست. اساس قانون‌گذاری در قرآن رعایت مصالح و مفساد است و مصلحت‌سنجی ازجمله مهم‌ترین مبانی و معیارهای آرای حقوقی قرآن است.

در اندیشه دینداران و آنان‌که قرآن را کتاب آسمانی می‌دانند، احکام، قوانین، حقوق و ضوابط ارتباط افراد با یکدیگر و افراد با اجتماع و دولت، همگی دارای حکمت و فلسفه خاصی است. اسلام اساس را بر عدالت در کلیه شئون و روابط انسان‌ها قرار داده و از هر نوع خودکامگی، قلدری، اعمال خشونت‌آمیز و جنایتکارانه و نقض حقوق و حریم انسان‌ها یا انتقام‌گیری و کینه‌توزی منع نموده است. عدالت شاه‌بیت وضع احکام در نظام حقوقی اسلام است و عدول از آن به هر طریقی و با هر توجیهی فاقد وجهه دینی و هویت شرعی است. اسلام، عدالت را هدف بعثت انبیاء و مبنای تشکیل حکومت بر مبنای اراده الهی می‌داند. در فرهنگ اسلامی اصل بر اصلاح و تربیت انسان‌ها، تهذیب نفوس و مجاهدت برای اصلاح انسان‌ها و جوامع انسانی است، نه انتقام‌گیری، کینه‌توزی و غضب‌سالاری.

اسلام دین صلح و دوستی، محبت و کرامت، آزادی و آزادی است و هرگز به انسان‌ها اجازه نمی‌دهد تا پیام اسلام از روش‌های خشونت‌بار و جنگ و خونریزی و ویرانی حرث و نسل منتقل کنند و یا عقاید اسلامی را بر دیگران تحمیل کنند و یا از روش‌های غیرمعارف استفاده نمایند. در جهان‌بینی اسلامی، «انسان» اشرف مخلوقات و خلیفه الهی در زمین است و خداوند گوهر کرامت را در نهاد انسان به ودیعت نهاده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (سوره‌/سراء: آیه ۷۰). در آموزه‌های دینی تأکید وافری بر صیانت از کرامت انسان‌ها شده است و دستورهای زیادی دال بر ضرورت پاسداری از حریم و کیان انسانیت به آحاد افراد جامعه، حاکمان و حتی خود شخص نسبت به خودش داده شده است.

۴- حقوق در رسانه‌ها

گسترده‌گی رسانه‌ها و دامنه کم‌نظیر فعالیت‌های رسانه‌ای در عصر حاضر، شناخت حقوق

متقابل رسانه‌ها، مخاطبان و دولت‌ها را به پدیده‌ای ضروری تبدیل می‌کند. حق حریم خصوصی همواره از موضوع‌های مناقشه‌برانگیز در رسانه‌ها بوده است؛ زیرا از مصادیق مهم حقوق بشر محسوب می‌شود. مسئله ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی افراد نیز از مسائل بارز اخلاق رسانه‌ای است.

تقابل آزادی بیان و اطلاع‌رسانی شفاف و رعایت حق حریم خصوصی همواره خبرنگاران، برنامه‌سازان و دست‌اندرکاران حوزه وسایل نوین ارتباط جمعی را در موقعیت‌های دوگانه‌ای قرار داده است. در این باره باید متذکر شد که ضرورت شناخت این حق و حقوق و انطباق آن با مسئولیت‌ها و رسالت‌های اصحاب رسانه با توجه به آموزه‌های دینی و اسلامی، امروز بیش از گذشته احساس می‌شود.

انقلاب ارتباطات به‌عنوان پیامدی بی‌بدیل از فناوری الکترونیکی در عصر حاضر، عرصه رسانه‌ای را چنان در معرض خود قرار داده است که گاه، شتاب زایش و نوزایش مسائل در این عرصه از شتاب پیش‌بینی‌ها هم پیشی می‌گیرد و از این رو، باری جدید، اما بس گران را بر گردن محققان، نویسندگان و اندیشمندان تحمیل می‌کند.

رسانه‌ها که روزی کم‌شمار، نه‌چندان گوناگون و بر محمل‌هایی ساده، کاری نه بیش از وقایع‌نویسی و وقایع‌گویی را در زمره فعالیت‌های خویش داشتند، امروز چنان بر شانه‌های غول ارتباطات ماهواره‌ای ایستاده‌اند که خود، به‌موضوعی برای کاویدن و پژوهش مبدل گشته‌اند. از سوی دیگر این حکایت که دوره‌های جدید، مسائل جدید با خود دارند، ضرورت شناخت عرصه رسانه‌ای، قابلیت‌ها، کاستی‌ها و تعامل‌های آن با عرصه‌های دیگر را به نیازی بی‌گریز مبدل می‌سازد. در این میان، دانش حقوق در تلاش است که ضمن شناسایی عرصه‌های نوینی که نیازمند تنظیم روابط است، قواعد مربوط به هر حوزه را بیان نموده و در فرایندی رفت‌وبرگشتی از کنش‌ها و واکنش‌ها و بررسی حلقه‌های بازخوردی، مناسب‌ترین، کارآمدترین و اثربخش‌ترین قواعد را تعیین نماید. به‌تعبیر دیگر، آزادی اطلاعات و مطبوعات از حقوق اساسی انسان است و معیاری برای همه آزادی‌های مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد و برای ترویج و حفظ صلح ضروری است. این آزادی هنگامی بهتر تضمین می‌گردد که خدمه دست‌اندرکاران

رسانه‌های جمعی به طور مستمر و داوطلبانه سعی کنند که بیشترین حس مسئولیت را داشته باشند، عمیقاً به تعهدهای اخلاقی ناشی از لزوم راست‌گویی و جستجوی حقیقت در گزارش‌های خود و در توجیه و تفسیر حقایق پایبند باشند. به همین جهت این قواعد اخلاق حرفه‌ای بین‌المللی، به عنوان معیار رفتار حرفه‌ای برای همه افراد دست‌اندرکار جمع‌آوری، ارسال، پخش و تفسیر اخبار و اطلاعات و تشریح وقایع معاصر توسط کلمات، مطالب شفاهی و کلیه طرق بیان، اعلام می‌گردد (اسماعیلی، ۱۳۸۸، ب).

حقوق ارتباطات یکی از حوزه‌های مطرح در علوم ارتباطات است که به‌ویژه در ۲۰ سال اخیر در میان اندیشمندان مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به رخدادهای پس از جنگ جهانی دوم و به‌کارگیری رسانه‌های صوتی و تصویری به‌عنوان ابزار سیاسی، اقتصادی و تجاری و بروز پیامدهای مادی و معنوی آنها، به تدریج در «اروپا» و «آمریکا» حجم دعاوی حقوقی در سطح کشوری، منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش یافته و این کشورها را بر آن داشته تا در زمینه هر یک از رسانه‌ها اعم از چاپی یا پخش، قوانین مدون و جامعی تنظیم و تدوین کنند.

با پیشرفت و توسعه پُرشتاب فناوری‌های ارتباطی، پیدایش رسانه‌های جدید از قبیل ویدئو، ماهواره و رایانه و اینترنت، پیچیدگی مسائل و مباحث حقوقی ارتباطات افزون شد. دولت‌ها که تا حدود دهه شصت در بهره‌برداری از رسانه‌های موجود در محدوده‌های جغرافیایی خود درصدد وضع قوانین ویژه در حفظ «آزادی‌های اجتماعی»، «حقوق خصوصی»، «حق مالکیت معنوی»، «هتک حرمت»، انتشار اخبار و اطلاعات بودند، در دهه ۹۰ در سطح بین‌المللی در پی چنین اهدافی بودند، چراکه مبارزه با امواج فرامرزی دیگر در سطح خانه‌به‌خانه در شهرهای تحت حکومتشان میسر نبود.

حفظ حریم خصوصی افراد، مقابله با هتک حرمت به افراد، منع توهین به مقدسات، عدم انتشار اطلاعات، رعایت حق مالکیت معنوی در شرایطی که در هر ثانیه دریافت هزاران هزار بایت اطلاعات، خبر و برنامه از مرکز تولید و پخش اطلاعات، تنها با عضویت در یک پایگاه اینترنتی، در اقصی نقاط جهان میسر است، کار ساده‌ای نیست (کری، ۱۳۸۸). از طرف دیگر، طرح مسئله حقوق رسانه‌ها دیگر اصطلاحی ناشناخته نیست.

روزنامه‌نگاران و همه کسانی که در سایر انواع رسانه‌ها به فعالیت حرفه‌ای مشغول هستند، پذیرفته‌اند که باید در چارچوب ضوابطی حرکت کنند که قانون‌گذاران ترسیم کرده‌اند، اما هنوز هم اخلاق رسانه‌ها اصطلاحی است که برای برخی ناشناخته و حتی تعجب‌آمیز است (اسماعیلی، ۱۳۸۸).

در این راستا، مقصود از حقوق رسانه‌ها، مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر کار رسانه‌ها و افراد فعال در این عرصه حکومت می‌کند. مباحث این رشته، گاه مربوط به حقوق عمومی و گاه مربوط به حقوق خصوصی است؛ همان‌گونه که در عین داخلی بودن، بی‌ارتباط با مقررات بین‌المللی نیست.

تأثیر دو سویه فزاینده رسانه و توسعه موجب شده است حقوق رسانه‌ها در برنامه توسعه کشورها از جایگاه رفیعی برخوردار شود. قانون برنامه چهارم توسعه در کشور ما نیز چشم‌انداز قابل قبولی در این زمینه ترسیم کرده و از جمله، تدوین قانون جامع رسانه‌ها را تکلیف کرده است. جامعیت میان حقوق و حدود، عمومیت و رسانه‌محوری، تقویت جایگاه خودتنظیمی و اخلاق حرفه‌ای، تأکید بر نظارت‌های صنفی و مدنی و سرانجام رعایت اصول قانون‌نویسی، پنج معیاری است که برای دستیابی به نظام حقوقی مطلوب رسانه‌ها تأکید شده است.

دخالت اشخاص متعدد (صاحب امتیاز، مدیر مسئول، سردبیر، نویسنده یا خبرنگار ...) در روند کار مطبوعاتی، ماهیتی گروهی به این کار بخشیده و پیچیدگی‌های خاصی در مسائل حقوقی مربوط به آن پدید آورده است. نظام مسئولیت جرایم مطبوعاتی در ایران، نظام مسئولیت جمعی است و تک‌تک دست‌اندرکاران نشر یک اثر در قبال نتایج آن مسئول شناخته می‌شوند.

مدیر مسئول مسئولیت اصلی و مستقیم مطالب را بر عهده دارد. مصونیت نشر مذاکره‌های مجلس یا روند دادرسی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است، هر چند به نظر می‌رسد انعکاس صحیح و بی‌کم‌وکاست جریان جلسه‌های علنی مجلس با توجه به مصونیت نمایندگان در ایران لااقل می‌تواند دفاعی معتبر در نظر گرفته شود. با توجه به ماده ۳۵ قانون مطبوعات، مجازات‌هایی را که در خصوص جرایم مطبوعاتی اعمال

می‌شود در سه حوزه می‌توان بررسی کرد: یک) جرایمی که قانون مطبوعات همراه با بیان مجرمانه بودن عمل در همان ماده مجازات آن را تعیین کرده است؛ دو) جرایمی که قانون مطبوعات در خصوص مجازات آن‌ها ساکت است، اما قانون مجازات اسلامی مجازاتی را مشخص کرده است و سه) جرایمی که نه قانون مطبوعات برای آن مجازات تعیین کرده و نه قانون مجازات اسلامی در خصوص آن پیش‌بینی‌ای دارد.

حق حریم خصوصی، یکی از محدودیت‌های مهم برای آزادی بیان و فعالیت رسانه‌ها محسوب می‌شود. در بعضی از کشورها برای تضمین این حق تدابیری اندیشیده شده است که شامل حمایت مدنی و کیفری می‌شود. البته این حمایت‌ها با توجه به ساخت حقوقی هر یک از کشورها، از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. در مجموع، تفاوت این کشورها در حمایت مدنی از حریم خصوصی، مهم‌تر و بارزتر از تفاوت آن‌ها در حمایت کیفری است.

در حقوق مدنی اسپانیا و فرانسه، حمایت از این حریم با مقررات عمومی ناشی از قانون، تضمین شده است و در آلمان و ایتالیا، متون قانونی اشاره‌های پراکنده‌ای به حمایت از حریم خصوصی دارند و این حمایت اساساً از طریق رویه قضایی صورت می‌گیرد. در مقابل، در حقوق انگلیس و آمریکا، تنها برخی تعرض‌ها به حریم خصوصی منع شده است.

حمایت کیفری از حریم خصوصی نیز در کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه و ایتالیا نسبت به انگلیس و آمریکا گستردگی بیشتری دارد. در حقوق ایران نیز در قوانین عادی، موادی پراکنده از جمله در قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی به این موضوع اشاره دارد و حمایت‌های مدنی و کیفری از این حریم پیش‌بینی شده است، اما در صورت تصویب لایحه حریم خصوصی که به‌طور مشخص به این موضوع پرداخته و جوانب مختلف را در نظر گرفته است، گامی مؤثر در این زمینه برداشته خواهد شد.

مطبوعات، رسانه‌ها، وسایل و ابزارآلات ارتباطی و اطلاعاتی ذاتاً و به خودی‌خود خوب یا بد، پسندیده یا ناپسند و مطلوب یا نامطلوب نیستند. این شعار که مطبوعات رکن چهارم مشروطیت و مردم‌سالاری در جامعه است، اسطوره‌ای بیش نیست. کارکرد،

کاربرد و کارنامه مطبوعات و رسانه‌ها با الگوی آنها، با روش و اهداف آنها و با نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌ای که در چهارچوب آن عمل می‌کنند، رابطه دارد؛ برای مثال، در یک قرن اخیر مطبوعات و رسانه‌های دنیا به‌طور کلی، جز در مواقع استثنایی همواره در خدمت سلطه‌گرایان ملی و بین‌المللی بوده‌اند. رسانه‌ها و مطبوعات مسلط غرب در طول این قرن از منافع استثماراری اروپا و آمریکا دفاع و پشتیبانی کرده‌اند و رسانه‌ها و مطبوعات نظام سوسیالیستی و کمونیستی در انحصار حزب حاکم به رشد و نمود خود ادامه داده‌اند. در جهان به‌اصطلاح سوم غیراروپایی و آمریکایی نیز مطبوعات، رسانه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی پیشرفته اغلب در اختیار و کنترل مقلدان، دست‌نشانندگان و نخبگان مرعوب بوده است. رسانه‌های مستقل و مبارزی که جدا از این الگوها فعالیت داشته‌اند در تاریخ معاصر داستان بسیار کوتاه و پراکنده‌ای دارند. با تشکل بین‌المللی نظام «ملت - دولت»، مطبوعات و رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگر در تاریخ به ابزارآلات تبلیغات سیاسی و استقرار استکبار داخلی و خارجی تبدیل شده‌اند، این حقیقتی است که کمتر می‌توان آن را انکار کرد.

۵- رسانه و رسالت دینی

تأثیر متقابل رسانه و دین از دغدغه‌های روزگار ماست. از سویی رسانه‌ها تأثیری عمیق و گسترده بر دین و اخلاق جامعه باقی می‌گذارند و از سویی دیگر مجبورند در کارکردهای ذاتی خویش آموزه‌ها و خطوط قرمز دینی را مراعات کنند. این واقعیتی است که در جهان شاهد آنیم و درعین حال مخالف‌هایی نیز دارد.

از این‌رو می‌توان گفت: «کسانی هستند که نه تنها کارکرد دینی و ارزش‌گرا را نافه فلسفه وجودی این پدیده نوظهور می‌دانند، که آن را ناقض حقوق اولیه بشر تلقی می‌کنند؛ همان‌گونه که کسان دیگری رسانه را به‌عنوان موضوعی نوپیدا، خارج از قلمرو احکام و دستورهای دینی می‌دانند و به این ترتیب منکر تعامل دین و رسانه هستند (اسماعیلی، ۱۳۸۸/الف).

دین به رسانه از دو زاویه می‌نگرد؛ یکی آنکه ابزاری برای انتقال و گسترش پیام آن است و دیگر آنکه به‌عنوان واقعیتی از زندگی بشر چه باید‌ها و نبایدهایی را باید رعایت

کند. به عبارت دیگر دین با احکام خود بر کارکرد و محتوای رسانه‌ها نیز اثرگذار می‌شود. در ماده دو قانون مطبوعات روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه، پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده، تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف، مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل‌پرستی، اشاعه فحشا و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی و حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی - نه غربی، ازجمله رسالت مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی برشمرده شده است. همچنین در تبصره این ماده تأکید شده است، هریک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد (بانک اطلاعات نشریات کشور، ۱۳۸۸).

اصل اول در مطبوعات و رسانه‌ها آزادی مطبوعات است به شرطی که به حیثیت فردی، جمعی و عمومی، امنیت ملی، آرامش و سلامت جامعه لطمه‌ای وارد نشود، لکن اگر این آزادی منجر به هجوم بی‌دلیل و بی‌منطق و تضعیف نظام و دولت مردان و مسئولین شد، این آزادی نیست بلکه سوءاستفاده و بهره‌برداری از این کسوت مقدس برای رسیدن به منافع فردی و تمکین امیال و خواسته‌های شخصی خواهد بود.

اصل دیگری که بر مطبوعات و رسانه‌ها حاکم است، رعایت بی‌طرفی و عینیت‌بخشی به استقلال در این حوزه است که ازجمله اصول روزنامه‌نگاری و خبرنگاری است در این عرصه باید از پیش‌داوری و جانبداری مطلقاً پرهیز نمود. اخبار و اطلاعات باید کاملاً در فضایی از صحت کامل و با رعایت اصل عینیت به اطلاع‌رسانی مخاطبان رسانده شود.

این‌ها اصولی از اخلاق رسانه‌ای و مطبوعاتی است که باید رعایت شود. لکن امروز ما شاهد حضور افرادی غیرحرفه‌ای و غیرمتخصص در برخی از رسانه‌ها و مطبوعات هستیم که نه تنها اخلاق رسانه‌ای و مطبوعاتی را رعایت نمی‌کنند بلکه برای رسیدن مطامع شخصی و فردی گام برمی‌دارند و فضای رسانه‌ها و مطبوعات را جولانگاه خواسته‌های خود قرار داده‌اند و به دنبال انتشار خبرهای غیرواقعی و به‌تعمیری فضا سازی و تحت فشار قرار دادن مدیران و مسئولان هستند و عده‌ای هم که در دل

آن‌ها ریب و شکی و مرضی وجود دارد به دنبال تبلیغ و ترویج آن برمی‌آیند که این بدترین حالت یک مطبوعه و رسانه است (پورعیسی، ۱۳۸۸).

این نکته قابل تحمل است که نباید تأثیر آموزه‌های دینی بر رسانه را صرفاً محدودیتی دانست؛ این برداشت نادرستی است که عمداً یا از روی اشتباه، برای ترویج آن تلاش می‌کنند. نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد که پایبندی به ارزش‌ها و احکام دینی به هر حال ضوابط و محدودیت‌هایی را بر تصمیم‌گیری‌ها، گفتارها و کردارها تحمیل می‌کند، اما این همه واقعیت نیست. بخش مهم و دیگر آن است که التزام به شمار فراوانی از آموزه‌های اخلاقی و دینی مسئولیت‌زا و موجب پیدایش تعهدهایی است که به تحرک بیشتر رسانه‌ها می‌انجامد؛ برای مثال پایبندی به آموزه «عدالت‌طلبی»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «دفاع از ستمدیدگان»، «نصیحت و خیرخواهی برای مؤمنان و ائمه مسلمین» و ده‌ها اصل دینی مانند آن، نه تنها به رسانه‌ها و خبرنگاران متعهد اجازه سکوت و مماشات نمی‌دهد، که جستجو، تبلیغ، فریاد و تشویق جامعه به اقدام را وظیفه حتمی آنان قرار می‌دهد.

خبرنگار یا رسانه‌ای که برترین عبادت را گفتن حق در برابر زورمداران می‌داند یا معتقد است که هرکس ندای ستمدیده‌ای را بشنود و ساکت بماند، دین ندارد، حتماً عملکرد متفاوتی از همکار مشابه خود خواهد داشت که به این اصول باور نداشته و معتقد است به سری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند (اسماعیلی، ۱۳۸۸).

آیه‌ها و حدیث‌های مربوط به «حرمت کتمان حق»، نمونه گویایی در این زمینه است. اگر دین با حکم به وجوب کتمان اسرار شخصی و حریم خصوصی افراد نوعی محدودیت برای کار رسانه دینی ایجاد می‌کند، از سوی دیگر با تحریم کتمان، حق فضای بی‌کرانی را به روی رسانه‌ها می‌گشاید. آیه‌های زیر در این باره مثال‌زدنی است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (۱۵۹) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۶۰)؛ یقیناً کسانی که آنچه را ما از دلایل آشکار و [وسیله] هدایت نازل کردیم، پس از آنکه همه آن را در کتاب [تورات و انجیل] برای مردم روشن ساختیم،

پنهان می‌کنند [تا مردم به قرآن و پیامبر ایمان نیاورند] خدا لعنتشان می‌کند و لعنت‌کنندگان هم لعنتشان می‌کنند (۱۵۹) مگر کسانی که توبه کردند و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند و [آنچه را پنهان کرده بودند] برای مردم روشن ساختند، پس توبه آنان را می‌پذیرم؛ زیرا من بسیار توبه‌پذیر و مهربانم (۱۶۰) (سوره بقره: آیه‌های ۱۵۹-۱۶۰).

«أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»؛ آیا می‌گویید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوت] آنان یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: شما داناترید یا خدا؟ [شما به یقین می‌دانید که آنان یهودی و نصرانی نبودند، پس چرا واقعیت را پنهان می‌دارید؟! و ستمکارتر از کسی که شهادتی را که از خدا نزد اوست پنهان کند، کیست؟ و خدا از آنچه انجام می‌دهید، بی‌خبر نیست] (سوره بقره: آیه ۱۴۰).

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»؛ هیچ پیامبری را نسزد که [در اموال، غنایم، سایر امور به امت خود] خیانت ورزد و هر که خیانت کند، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ سپس به هرکس آنچه را مرتکب شده به‌طور کامل می‌دهند و آنان مورد ستم قرار نمی‌گیرند (سوره آل عمران: آیه ۱۶۱).

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا»؛ خدا افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است [که بر ستم‌دیده برای دفع ستم، افشای بدی‌های ستمکار جایز است]؛ و خدا شنوا و داناست» (سوره نساء: آیه ۱۴۸).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»؛ ای اهل ایمان! [همواره در همه امور زندگی] قیام‌کننده به عدل، و گواهی‌دهنده برای خدا باشید، هر چند به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشانتان باشد. اگر [یکی از دو طرف نزاع] توانگر یا فقیر باشد [با لحاظ کردن وضع

آنان، برخلاف خدا گواهی ندهید؛ زیرا] خدا به حمایت از آنان و رعایت حالشان سزوارتر است. پس [در هنگام گواهی دادن] از هوای نفس پیروی نکنید تا از حق منحرف شوید و اگر زبانتان را [به‌سوی گواهی ناحق و دروغ] بیچانید یا از گواهی دادن روی برتابید؛ یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (سوره نساء: آیه ۱۳۵).

سازمان علمی تربیتی و آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) در گزارش معروف «مک‌براید» (MacBrid) تأیید می‌کند که: «روزنامه‌نگاران به‌خاطر ماهیت کارشان در جهت شکل دادن اندیشه‌ها و عقاید، در موضعی به‌ویژه نیرومند قرار دارند (و) از نظر بسیاری از مردم، روزنامه‌نگاری تنها یک حرفه نیست، بلکه یک رسالت است» (مک‌براید، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۴). «آدبورن» (Boeren, A) نیز از مطالعاتی که درخصوص تأثیرهای متقابل ارتباطات و توسعه انجام داده است، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: «تقریباً شکی نیست که ارتباطات و استفاده از رسانه‌ها، شدیداً وابسته به ایدئولوژی‌ها، سیاست‌ها و منافع بوده‌اند؛ همچنان‌که هنوز هم هستند» (بورن، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۵).

ناگفته پیداست که در نظر گرفتن چنین نقشی برای رسانه‌ها مسئولیت اجتماعی و الهی آنان را تا چه اندازه سنگین می‌کند. از این دیدگاه رسانه‌ها نه‌تنها باید از انتشار آنچه برای جامعه زیان‌آور است اجتناب کنند، بلکه باید از نشر و پخش آنچه مفید نیست هم خودداری کنند. «مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست در روزنامه‌ها ننویسند، کاغذ صرف این نکنند، وقت صرف این نکنند. باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۹، ص. ۲۲۴).

۶- رابطه حقوق و اخلاق رسانه‌ها

مسئله ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی یا خلوت افراد یکی از بارزترین مسائل اخلاق رسانه‌هاست. این مسئله حایز دو معناست: وسیع و محدود. معنای وسیع اقدام‌هایی را دربرمی‌گیرد که حس زیبایی‌طلبی، سلیقه‌های اقتصادی و در یک کلام سبک زندگی مخاطبان را جهت می‌دهد. برخی این معنا را مقتضای ذات و ماهیت رسانه‌ها می‌دانند که نمی‌توان در حقوق رسانه‌ها از آن سخن گفت. اما معنای محدود در مراجع قضایی یا

صنفی به عنوان ورود غیرمجاز به حریم خصوصی قابل پیگیری است. براساس رویه قضایی و دکترین‌های ارائه شده در حقوق عرفی، تجاوز به حریم خصوصی در چهار گروه خلاصه می‌شود که عبارت‌اند از:

- ۱- تجاوز به حریم خلوت و تنهایی عینی و فیزیکی افراد؛
 - ۲- انتشار (پخش) موضوع‌های مربوط به حریم خصوصی؛
 - ۳- نمایش شخص در حالت نامناسب یا غیرواقعی؛
 - ۴- تصاحب نام یا سوءاستفاده از تشابه یک شخص برای اهداف تجاری از سوی دیگر.
- علی‌رغم فقدان تعریف قانونی روشن و صریح از حریم خصوصی در غالب کشورها، حمایت از این حق در مقابل رسانه‌ها با استفاده از سازوکارهای مدنی، کیفری و شیوه‌های خودتنظیمی صورت می‌گیرد.

رسانه‌های گروهی به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر ارتباطی بشر، نقش مهمی را در تبادل فرهنگ، دانش و آداب و رسوم در میان اقوام مختلف ایفا می‌نمایند به نحوی که امروزه، مرزهای جغرافیایی، اهمیت چندانی در ارتباط با مسائل فرهنگی ندارند. نقش مؤثر رسانه‌ها در آموزش و تأثیری که بر ذهن مخاطبان خود دارند در مورد مسئله بزهکاری و مقابله با آن نیز مورد توجه می‌باشد چراکه به جهت خصوصیتی که این پدیده داراست؛ به راحتی می‌تواند در زمینه بزهکاری نیز آثار منفی یا مثبتی را داشته باشد.

رسانه‌ها در عین حال که می‌توانند با تحریک و تشویق افراد آماده بزهکاری و یا آموزش شیوه‌های ارتکاب جرم، عاملی در جهت گسترش بزهکاری باشند، می‌توانند با تلاش در جهت قبیح جلوه دادن بزهکاری و نیز آموزش شهروندان در زمینه مقابله با بزهکاری، عاملی مؤثر در پیشگیری از جرم نیز محسوب گردند.

رابطه حقوق و اخلاق در همه عرصه‌ها و از جمله در زمینه فعالیت رسانه‌ها، از قدیمی‌ترین موضوع‌هایی است که ذهن معماران زندگی اجتماعی بشر را به خود مشغول کرده است. گرچه به این پرسش، پاسخ‌های گوناگونی داده‌اند، اما آنچه به دور از مناقشه‌های طولانی و پیچیده می‌توان گفت، نیاز آن دو به یکدیگر برای تکمیل کارکرد و تحقق اهداف هر یک از آنها است. دفع یا رفع تنازع انسان‌ها و برقراری یک زندگی

منطقی، مسالمت‌آمیز و عادلانه، انگیزه اصلی متفکران برای تدوین و به اجرا نهادن قانون در جامعه‌های دیرین و نوین بوده و هست.

آنچه در این خصوص مهم به نظر می‌رسد، اینکه درواقع «درشتی و انعطاف‌ناپذیری قانون باید با نرمی و لطافت اخلاق همراه شود تا برای فرزندان آدم جاذبه داشته باشد؛ همان‌گونه که توصیه‌های دلنشین اخلاقی به‌تنهایی و بدون دستورهای الزام‌آور قانونی نمی‌تواند همه آدمیان را به کُرنش در برابر حقوق دیگران وادار سازد. به‌تعبیر دیگر قانون و اخلاق دو نیروی ارزشمندی هستند که با یکدیگر معنا و تکمیل می‌شوند و با عمل به هر دو است که جامعه بشری طعم شیرین سعادت و رستگاری را خواهد چشید.

در نظام‌های حقوقی اسلام، هیچ‌گونه جدایی میان حقوق و اخلاق یافت نمی‌شود. هر هنجار حقوقی ضمناً یک هنجار اخلاقی است. درواقع حقوق و اخلاق در بینش حقوقی این نظام، همانند دو رگی است که یک خون در آن جریان دارد و به‌عبارت دیگر اخلاق کلاً در فقه اسلامی وارد شده است. باوجوداین، اخبار و اطلاعات اگرچه اصول خبررسانی در رسانه‌های امروز جهان مبتنی بر شعار «دانستن حق مردم است» می‌باشد، اما حق مردم علاوه بر دانستن شامل موارد دیگری نیز می‌شود که حفظ جامعه، حفظ دین، تقویت اتحاد و وحدت و انسجام جامعه، رشد و توسعه در همه ابعاد و ... همه و همه ازجمله آن‌ها است. لیکن این اخبار و اطلاعات صحیح به‌عنوان امانتی از مردم نزد خبرنگار باید به صاحبان امانت برگردد و جایی که باید اظهار شود، اظهار گردد.

در قرآن کریم در آیه‌های متعدد به این مسئله توجه ویژه‌ای شده است: «... فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (سوره بقره: آیه ۲۸۳)، پس هر آنکه امانتی نزد اوست بایستی آن را ادا کند و تقوای خدا را پیشه سازد و شهادت را کتمان نکند. هر که شهادت را کتمان کند پس او دلی گنهکار دارد. در این مورد در آیه ۸ سوره مؤمنون به‌صراحت آمده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»، (مؤمنان آنانند که) امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند. قرآن کریم خود ترغیب می‌کند که مردمان اطلاعات گوناگون را در اختیار داشته باشند و با کنار هم گذاشتن اطلاعات مختلف خود به قضاوت صحیح بپردازند: «... فَبَشِّرْ عِبَادِ»

(سوره زمر: آیه ۱۷): «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (سوره زمر: آیه ۱۸).

اگر رسانه به عمد اطلاعات و اخبار غیرواقعی در اختیار جامعه قرار دهد، علاوه بر اینکه به اعتماد جامعه به خود خیانت کرده، اعتبار خود را نیز از دست می‌دهد. براین اساس نیز در آیه ۶ سوره حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»، ای کسانی که ایمان آورده‌اید در مورد خبری که فاسقی برای شما آورده تحقیق کنید مبدا که بر اساس اعتماد به آن خبر به دسته‌ای از مردم آسیب وارد آورید و سپس از این کرده خود پشیمان شوید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ ...» (سوره حجرات: آیه ۱۱)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید مبدا عده‌ای از شما عده‌ای دیگر را استهزاء نمایند چه بسا آنان بهتر از شما باشند و نیز مبدا که گروهی از زنان شما گروهی دیگر را مسخره کنند چه بسا آنان بهتر باشند و به یکدیگر زخم‌زبان زنید و یکدیگر را با القاب زشت صدا نکنید.

براین اساس در سوره‌های مختلف قرآن کریم درخصوص احترام به حق و حقوق دیگران آمده است: «وَلَا تَلِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره بقره: آیه ۴۲)، حق را به باطل نیامیزید و حق را درحالی که خود می‌دانید چه می‌کنید کتمان نکنید. «... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (سوره بقره: آیه ۱۳)، با مردم خوش سخن بگویید. «وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (سوره اسراء: آیه ۵۳)، و به بندگانم بگو با نیکوترین روش سخن گویند.

قرآن خود می‌فرماید خبر از روی علم و اطلاع کامل دهید: «...نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره انعام: آیه ۱۴۳) و سرانجام اینکه خداوند متعال در قرآن کریم کلام خود را که بخش عمده‌ای از آن اخبار اقوام گذشته و یا رویدادهای آینده می‌باشد، به صدق و عدل توصیف می‌کند: «وَوَعَدْنَا رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدًا...» (سوره انعام: آیه ۱۱۵)، و سخن پروردگارت به راستی و داد سرانجام گرفته است.

بنابراین چنین تصور می‌شود که رسانه‌های گروهی می‌توانند به گونه‌ای عمل کنند که مردم به سوی حق رغبت پیدا کنند؛ زیرا به فرموده حضرت علی (علیه السلام)، حق راه

برتر و نمونه، نجات‌دهنده (همان) و گوهری روشن است (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۸۰)، نزدیک‌ترین بندگان به خدای تعالی، گویاترین آنان به حق است (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۲۰۲)، شبیه‌ترین مردم به فرستادگان الهی، کسی است که در حق گویاتر و در به‌کار بستن آن پابرجا باشد (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۹۷)، راست‌ترین گفتار آن است که با حق مطابقت کند (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۸۱)، یاری کردن حق، موجب رستگاری است (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۵۲) و خواستار حق، کارها را بر خود آسان سازد و مردم به سویش روی می‌آورند (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۲، صص ۲۲۲ و ۲۰۴).

۷- اخلاق رسانه‌ای در اسلام

اخلاق رسانه‌ای نقطه تلاقی علم اخلاق و عمل رسانه یا ارتباط جمعی است. با توجه به ویژگی‌هایی که درخصوص مقوله اخلاق ذکر شد، اخلاق رسانه‌ای امری درونی و مرتبط با ارزش‌ها و هنجارهاست. بدین مفهوم درونی است که مجموعه قواعد و اصول اخلاق باید توسط ارتباط‌گر و سازمان ارتباطی رعایت شود و از این‌نظر با حقوق و قانون رسانه‌ها متفاوت است. چه‌بسا بسیاری از شگردهای رسانه‌ای که به ظاهر با هیچ اصل و بند و تبصره‌ای از حقوق و قانون تنافی نداشته باشد، اما با اصول اخلاق منافات دارد. از سوی دیگر اخلاق رسانه‌ای با ارزش‌ها و هنجارها سروکار دارد، ارزش‌ها و هنجارهایی که از درون فرهنگ جامعه و در جامعه اسلامی از درون فرهنگ اسلامی سر برمی‌آورد؛ لذا اخلاق رسانه‌ای اگرچه تابع اصول و قواعدی کلی و جهان‌شمول است، اما به سبب ریشه گرفتن آن از مجموعه ارزش‌های بطن جامعه، می‌تواند از جامعه و فرهنگی به جامعه و فرهنگ دیگر متفاوت و متغیر باشد. از این‌رو تدوین اصول کلی اخلاق رسانه‌ای به‌سادگی تدوین قواعد کلی حقوق رسانه‌ها نیست و در هر فرهنگ و جامعه‌ای، تعاریف و محدوده‌های خاص خود را دارد.

از دیگر کارکردهای خبررسانی و اطلاع‌رسانی در جامعه که در راستای مسئولیت اجتماعی رسانه است، پندآموزی و عبرت‌گیری مردم است که قرآن نیز بر آن تأکید می‌ورزد. در قرآن کریم داستان و خبر بسیاری از اقوام و ملل ذکر شده که به تعبیر

قرآن هدف از بیان آن‌ها عبرت و پندآموزی است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ ...» (سوره یوسف: آیه ۱۱۱)؛ «... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولَى الْأَبْصَارِ» (سوره آل عمران: آیه ۱۳). همچنین قرآن کریم پس از بیان اخبار اقوام گذشته در مواضع متعدد از عبارت «... فَأَعْتَبِرُوا يَا أُولَى الْأَبْصَارِ» (سوره حشر: آیه ۲) استفاده می‌کند و از مردم می‌خواهد با توجه به آنچه گفته شده، پندآموزی نموده و آثار آن را در زندگی خود دخالت دهند.

اسلام مجموعه‌ای به هم پیوسته از هنجارها، اصول و فلسفه‌هاست که هر یک مکمل دیگری است. برخلاف تصویری که در غرب از مفهوم و واژه دین وجود دارد، اسلام دامنه کامل زندگی و تجربه بشری در سطوح خرد و کلان را دربرمی‌گیرد و همان‌گونه که در آیه ۳ سوره مائده آمده است: «امروز برایتان دین را کامل کردم»، اسلام شیوه زندگی و دین کامل است و درحقیقت فرهنگ جامعی است که شکل و الگوی فراگیر زندگی به شمار می‌رود.

به دلیل فراگیری این الگو، یک مسلمان همواره به صورت هدفمند زیست می‌کند و هیچ‌گونه عملی خارج از چارچوب گفتمانی اسلامی نیست، حتی عمل فرد مسلمان پیش از آنکه به منصفه ظهور و دنیای خارج برسد، در عالم قصد و اراده و نیت نیز مستحق ثواب و یا عقاب است تا جایی که برای نیت و اراده جایگاهی فراتر از عمل دیده شده است.

انسان مسلمان همواره مقید به حدود الهی است و مجاز نیست از آن حدود تخلف ورزد. «این‌ها حدود الهی است پس متعرض آن‌ها نشوید» (سوره بقره: آیه ۲۲۹) و یا «اینها حدود الهی است پس نزدیک آن‌ها نشوید» (سوره بقره: آیه ۱۸۷). حدود الهی مرزبندی‌ها و حوزه مشخص شده وظایف و بایدها و نبایدهای کلی و شاملی است که انسان بایستی بر آن اساس، زندگی روزمره فردی و اجتماعی خود را سامان دهد و حکومت نیز بایستی زمینه‌های رعایت آن حدود را فراهم و تسهیل سازد.

اصل کلی در زندگی انسان مسلمان از خدا بودن و به سوی خدا رفتن است. «...إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا...» (سوره مائده: آیه ۴۸). تمامی نیات و اعمال مسلمان بایستی در راستای دستورهای خداوند و در جهت کسب رضایت پروردگار و منطبق با خواست خداوند باشد. ازجمله این اعمال فرایند خبررسانی در رسانه‌های جامعه اسلامی است که آن هم

در ذیل اصلی کلی به نام اصل انطباق با اوامر الهی قرار می‌گیرد؛ بنابراین ارتباط‌گر مسلمان هیچ‌گاه مانند یک ارتباط‌گر سکولار غربی، خود را فارغ از همه چیز به‌جز خبر نمی‌بیند. ارتباط‌گر مسلمان خبر و خبررسانی را نیز در سایه تلاش برای کسب رضایت و تحقق خواست خداوند پی می‌گیرد؛ لذا در توصیف و تبیین اخلاق خبررسانی اسلامی بایستی به اصول کلی و نیز ارتباط تنگاتنگ گفتمانی تمامی این اصول با یکدیگر توجه و عنایت جدی داشت.

نگاه تک‌بعدی به هر یک از اصول اخلاقی اسلام می‌تواند خود هدایت‌کننده به‌سوی گمراهی باشد و نه فلاح. اصول یادشده هر یک به‌تنهایی مبنای عمل نیستند و بلکه همگی در هماهنگی و همراهی و ارتباط کامل با یکدیگر معنا می‌یابند. سرفصل‌های کلی همچون حق‌مداری، عدالت، تقوا، اصلاح جامعه و... همگی خطوط پیوند اصول و تأکیدهای اخلاقی اسلام در امر خبررسانی محسوب می‌شوند و حلقه وصل رهنمودهای اخلاقی اسلام در قالب آیات قرآن کریم و تعالیم معصومین علیهم‌السلام هستند، ازجمله تأکیدهای اسلام در این زمینه موارد ذیل قابل توجه است: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...» (سوره اعراف: آیه ۲۹)، ای پیامبر به مردم بگو که پروردگارم به قسط و عدل دستور داده است. «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (سوره حجرات: آیه ۱۳)، بزرگوارترین شما نزد پروردگار باتقواترین شماست. بدین‌سان خبررسانی اگر در راستای اصول اسلامی و در جهت روشن ساختن حقیقت باشد، ازجمله بهترین کارها در جامعه اسلامی است.

۸- شیوه‌های تبلیغ در قرآن

گفتگو، یکی از کامل‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های تبادل اطلاعات و برقراری ارتباط است. فعالیت‌هایی نظیر بازاریابی، چانه‌زنی، تبلیغات، جلسه‌های مشورتی، معامله‌ها و... به مدد عنصر گفتگو تحقق می‌یابند.

قرآن کریم مهم‌ترین منبع استخراج شیوه‌های تبلیغ به‌شمار می‌رود؛ زیرا با شناخت مختصری از شأن نزول که نمایان‌گر شرایط، زمان و موقعیت نزول آیات قرآن است، به‌خوبی می‌توان به شیوه‌های دعوت پی برد. به‌همین‌جهت تبلیغ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین

وظایف و مسئولیت‌هایی است که خداوند متعال به جهت تبیین و ابلاغ رسالت از علمای امت خود بر آن، عهد گرفته است. رسالتی که حضرت موسی (علیه السلام) را از خوف عدم انجام آن چنان مضطرب کرده که دست نیاز به درگاه الهی بلند کرده و می‌گوید: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵) وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶) وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي (۲۷) يَفْقَهُوا قَوْلِي (۲۸)» (سوره طه: آیه‌های ۲۵-۲۸). از سویی دیگر با نگاهی عمیق به آیات روشن‌گر قرآن کریم و همچنین با سیری در تاریخ اسلام و حکومت پیامبر اسلام و دیگر پیشوایان به‌خوبی می‌توان تنوع و گوناگونی روش‌های تبلیغی را دریافت.

در این میان قرآن کریم مهم‌ترین منبع استخراج شیوه‌های تبلیغ به‌شمار می‌رود؛ زیرا با شناخت مختصری از شأن نزول که نمایان‌گر شرایط، زمان و موقعیت نزول آیات قرآن است به‌خوبی می‌توان به شیوه‌های دعوت پی برد.

با شناخت مفهوم آیه‌ها و بررسی احوال مخاطبان در هنگام نزول، طیف وسیعی از شیوه‌های قرآن برای اقناع مخاطبین جهت پیروی از دستورهای هدایت‌آفرین الهی نمودار می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: گفتگو و روابط مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان، یک فکر اصیل اسلامی است که آیه‌های متعددی از قرآن کریم، به‌صورت‌های گوناگون بدان سفارش نموده است.

از نظر قرآن کریم، جنگ مذهبی و ستیز به‌خاطر اختلاف عقیده، کینه‌توزی و دشمنی نسبت به پیروان ادیان دیگر ممنوع است. پیش‌گرفتن روش‌های اهانت‌آمیز نسبت به دیگران، یک روش پسندیده دینی به‌شمار نمی‌رود.

قرآن کریم، گروهی از مسیحیان و یهودیان را یاد می‌کند که راه تمسخر و تکفیر یکدیگر را در پیش گرفته و با تحقیر، اهانت و پایمال نمودن حقوق انسانی یکدیگر، همواره آتش جنگ و اختلاف را شعله‌ور می‌سازند. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ...» (سوره بقره: آیه ۱۱۳).

تاریخ اسلام، گفتگوهای فراوان پیامبر خاتم را با مشرکان، اهل کتاب، اقوام، قبائل و سران مختلف، به‌خوبی در حافظه‌اش سپرده است. گفتگوهای دینی و الهی از همان آغاز خلقت بین خداوند و ملائک و آدم ابوالبشر آغاز شده و در قالب پیام‌رسانی، ابلاغ و بلاغ

رسولان و پیام‌آوران الهی، سنتی همیشگی در طول تاریخ بوده است.

گفتگوهای علمی و عقیدتی امام صادق (علیه‌السلام) در مدینه و مکه به‌ویژه در مسجدالحرام با صاحبان افکار و اندیشه‌های گوناگون همچون ابن مقفع، ابوشاکر دیصانی و... و یا گفتگوهای عالمانه علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) با دانشمندان مسیحی و یهودی و اندیشوران عصر خویش، نقش مثبت و سازنده در جامعه انسان‌ها داشته است (مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، صص. ۱۰۴-۱۰۵).

این مطلب بر کسی پوشیده نیست که گفتگو به‌تنهایی هدف نیست، بلکه تنها راه و روشی است برای اهداف بلندتر و والاتر. در پایان، یادآوری این نکته ضروری می‌نماید که در این نوشتار تنها به برخی از جنبه‌های گفتگو در قرآن توجه شده است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۴).

به‌نظر می‌رسد که خداوند متعال، هدفش از برقراری ارتباطات و انجام گفتگو (به‌معنی عام) در قرآن، همانا سعادت، کمال و رستگاری مخاطبان خود می‌باشد؛ لذا در آیات مختلف، برای اینکه انسان به‌سمت‌وسوی فلاح و سعادت سوق داده شود، موضوع بهشت و امکانات موجود در آن را مطرح می‌نماید. مانند: «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سوره یونس: آیه ۲۶)؛ «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا» (سوره فرقان: آیه ۲۴)؛ «أُمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره سجد: آیه ۱۹)؛ «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (۴۰) «أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (۴۱) فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ (۴۲) فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۴۳)» (سوره صافات: آیه‌های ۴۰-۴۳)؛ «لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ» (سوره زمر: آیه ۲۰).

درواقع به تعبیری، خداوند متعال به انسان نوعی مشاوره دلسوزانه و از سر صدق و صمیمیت و خیرخواهی و آن هم به‌طور رایگان می‌دهد تا بلکه بشر راه را از چاه باز شناسد و این مبحث مهم و قابل تأملی در روابط عمومی و ارتباطات است. از سوی دیگر، برای توجه دادن و آگاه ساختن انسان از عواقب سوء رفتار و عملکرد، خداوند آیات عذاب و جهنم و شرایط حاکم بر آنجا را متذکر شده است؛ مانند، «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سوره بقره: آیه ۳۹)؛ «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ

جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرَهُمْ ذُلًّا مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سوره یونس: آیه ۲۷)؛ «وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَنْصَرِعُونَ» (سوره مؤمنون: آیه ۷۶)؛ «... وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ» (سوره محمد: آیه ۱۵)؛ «الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ» (سوره ق: آیه ۲۶).

اسلام، دارای منطق آزاداندیشی است. بسیاری از مذاهب، پیروان خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگران نهی می‌کنند، چرا که بر اثر ضعف منطقی که به آن گرفتارند، این هراس را دارند که منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروانشان را از دستشان بگیرد، درحالی‌که اسلام، سیاست دروازه‌های باز را به اجرا درآورده و بندگان راستین خداوند را کسانی می‌داند که اهل تحقیق هستند؛ نه از شنیدن سخنان دیگران وحشت دارند، نه تسلیم بی‌قیدوشرط می‌شوند و نه هر وسوسه را می‌پذیرند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۹، صص. ۴۱۵-۴۱۶).

به نظر می‌رسد گفتگو در صورتی مؤثر می‌افتد که از هر گونه خشونت، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجابت و مانند آن خالی باشد. قرآن کریم از پیامبر می‌خواهد که با اندرز نیکو و حالت ارشادی با طرف مقابل به گفتگو پرداخته و از بهترین روش‌های خطابی استفاده کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (سوره نحل: آیه ۱۲۵)، با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به آن شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نمای).

۹. ارتباط در قرآن

برقراری ارتباط افراد و در میان ملت‌ها از دیدگاه قرآن بر اساس یک‌سری اصول و پایه‌هایی استوار می‌باشد. از آنجایی که در نخستین ارتباط میان انسان‌ها ذهنیت‌های افراد نسبت به همدیگر شکل می‌گیرد، شایسته است که فرد یا افراد برقرارکننده ارتباط توجه داشته باشند که یکی از شروط اساسی ارتباط، مجذوب نمودن طرف مقابل به گفتار نیکو و زیبا است. اگر فرد یا افراد در برقرار کردن نخستین ارتباط با مخاطب از حسن کلام و

آراستگی ظاهری برخوردار نباشند، در ادامه از برقراری ارتباط و تأثیرگذاری بر مخاطب ناتوان خواهند ماند و فرد شنونده از توجه نمودن به کلام او خودداری می‌نماید.

نیکویی و آراستگی کلام منحصر به ارتباط میان فردی نیست؛ زیرا در دنیای امروز از آنجایی که برقراری ارتباط بیشتر از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد، قواعد مذکور در مورد رسانه‌ها و ارتباط جمعی نیز صادق خواهد بود و این مسئله در روابط بین‌الملل از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

به جهت اینکه یکی از هدف‌های اساسی ارتباط بین‌المللی تحت تأثیر قرار دادن ملت‌های دیگر و جذب آن‌ها به ارزش‌ها و فرهنگ ملت برقرارکننده ارتباط می‌باشد و این امر مهم دست‌یافتنی نیست مگر اینکه در مرحله اول دیگران را مجذوب گفتار و رفتار نیکوی خود نماید؛ گفتار نیکو برتری فرهنگی یک کشور و ملت را می‌رساند که در قالب گفتمان فرهنگی قابل طرح می‌باشد. خداوند در قرآن از گفتار نیکو به اخذ پیمان یاد می‌کند و می‌فرماید: «...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» و با مردم به نیکویی سخن بگویید! (سوره بقره: آیه ۱۷۳).

جالب توجه اینکه گفتار نیکو را در زمره عبادت خدا، احسان با پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، مساکین و برپا داشتن نماز و ادای زکات قرار می‌دهد که حکایت از اهمیت و ارزش گفتار نیکو دارد.

آیین اسلام به‌منظور رشد و شکوفایی صفت خیرخواهی، اصل اخوت دینی را در میان مسلمانان بنیان نهاد و رسول اکرم و ائمه (علیهم‌السلام) همواره مراقب بودند که پیروان این آیین در انجام وظایف برادری و ادای حقوق اسلامی سستی نورزند و اگر بی‌مهری برخی مسلمین را می‌دیدند، آنان را به رعایت عواطف دینی وادار می‌کردند. رسول اکرم می‌فرمود: «مَالَكُمْ لَا تَحَابُّونَ وَلَا تَنَاصِحُونَ وَأَنْتُمْ إِخْوَانُ عَلَى دِينِ اللَّهِ» (ورام بن ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳)، شما را چه شده است که به یکدیگر محبت نمی‌ورزید و یکدیگر را دوستانه نصیحت نمی‌کنید، با آنکه در آیین اسلام هر یک از شما برادر دیگری است؟.

اگر رسانه‌ها اصل برادری و ایجاد وحدت را در گزارش‌ها و تحلیل‌های خود تبیین کنند، درواقع انسان‌دوستی را نیز در جامعه گسترش داده‌اند که بر اثر آن، مردم به صفات عالی آراسته می‌گردند و نهاد خود را از هر گونه رشک‌ورزی، خصومت،

بدخواهی و دیگر رذایل اخلاقی پاک می‌کنند. ترویج این روحیه، امنیت روانی و رفتاری را بر جامعه حاکم می‌سازد و عزت و شکوهمندی را ارتقا می‌دهد (گلی زواره، ۱۳۸۷). بسیاری از مردم متوجه نیستند، این رسانه‌ها هستند که کنترل زندگی آن‌ها را در خانه شخصی‌شان به دست گرفته است؛ به جای اینکه آن‌ها کنترل این رسانه‌ها را در دست داشته باشند. این افراد نمی‌دانند که با کنترل رسانه‌ها در خانه، می‌توانند سر رشته زندگی را در دست و زندگی بسیار زیبایی داشته باشند. اکثر افراد هم نمی‌دانند که جلوگیری از سوءاستفاده و بهره‌کشی‌های این رسانه‌ها مسئله‌ای اساسی در زندگی آن‌ها است. تحقق این امر مستلزم آگاهی، اجرای یک‌سری قوانین قاطع و اتخاذ سیاست‌های رفتاری مناسب است. رسانه‌های الکترونیکی مبتنی بر اصول و روش‌های خاص، با هدف تحریک افراد و کنترل ذهن آن‌ها و با به‌کارگیری فناوری‌ها و مهارت‌های ظریف تکنیکی طراحی شده‌اند.

مسئله مهم آگاهی و شناخت اصول و اهداف رسانه‌های الکترونیکی است. دستیابی به این شناخت و آگاهی، شما را وامی‌دارد که به دنبال روش‌های بهینه استفاده و کنترل صحیح این رسانه‌های الکترونیکی باشید. بدون این آگاهی و شناخت نه تنها شما اجازه می‌دهید آن‌ها از شما بهره‌کشی کنند، بلکه می‌گذارید آن‌ها به جای شما تصمیم بگیرند، با فرزندان‌تان ارتباط برقرار کنند و با معیارهای خود آن‌ها را پرورش دهند و... خلاصه کنترل زندگی شما در دست بگیرند. اما، اگر به عنوان مخاطبان این رسانه‌ها، هوشیارانه و با شناخت به انتخاب صحیح برنامه‌هایی که آن‌ها ارائه می‌دهند، دست بزنیم، زندگی و هدفی که از مصرف این رسانه‌ها داریم، باید بر اساس ارزش‌های اعتقادی باشد. در این صورت قادر خواهیم بود آثار منفی این رسانه‌ها را در زندگی خود کمتر و کمتر کنیم، در غیر این صورت همه ما قربانی بهره‌کشی رسانه‌ها خواهیم بود.

رسانه‌های گروهی با کاهش محتوای آموزشی و افزایش ترویج رفتارهای بزهکارانه، سلامتی جسمی و روحی افراد را تهدید می‌کنند. آن‌ها به طور گسترده و با پشتیبانی سرمایه‌های دولتی تاخت و تاز می‌کنند و با ترفندهای پیگیرانه از سرمایه‌گذاری بر روی گسترش «سواد رسانه‌ای» ممانعت به عمل می‌آورند. می‌دانید چرا؟ به این دلیل که در بخشی

از فرایندهای قدرت با استفاده از شگردهای رسانه‌ای دستکاری و اعمال نظر می‌شود. نوع و میزان سرمایه‌گذاری در رسانه‌ها و نیز تبلیغات و معرفی همه احزاب، کاندیدها به دلخواه و صلاحیت قدرت‌ها صورت می‌گیرد. آن‌ها برای پیشبرد اهداف خود، محافظه‌کارانه و به‌عنوان آزادی‌خواهی، رسانه‌های گروهی را در دست گرفته و حکومت می‌کنند. در آیات قرآن، مالک حقیقی همه موجودات، خداست و جهان و تمام آفریده‌ها در دست اراده و قدرت اوست، با خواست او ایجاد شده و با اراده او محو می‌گردد. «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا» (سوره نساء: آیه ۱۲۶). خداوند به‌عنوان مالک همه هستی و مالک انسان، با توجه به نیازهایی که در انسان پدید آورده، حق مالکیت را به او بخشیده است. در قرآن، حیات، موهبتی الهی خوانده شده و هیچ فرد یا مجموعه‌ای نمی‌تواند این حق را از فرد سلب کند و یا به‌صورت فیزیکی و غیرفیزیکی به جسم و روح انسان آسیب برساند. «وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (سوره اِسراء: آیه ۳۲)، و کسی را که خداوند خونس را حرام شمرده نکشید جز به حق. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (سوره اِسراء: آیه ۳۱)، و فرزندان را از ترس فقر نکشید! ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم؛ بی‌تردید کشتن آن‌ها گناه بزرگی است.

نتیجه‌گیری

رفتارهای بخش اعظم کیفیت زندگی ما را، خانواده، دوستان و ساختارهای اجتماعی تعیین می‌کنند هر چند که تأکید عمده ما در جامعه بر سیاست و کار است. اثرگذاری ارتباطات بر کیفیت روابط شخصی و کاری حیاتی است. ارتباطات میان‌فردی ماهیت و کیفیت روابط ما را خلق و منعکس می‌کنند. آنچه که راجع به آن بحث می‌کنیم، آنچه که انجام نمی‌دهیم و به‌خصوص نحوه سخن گفتن و نگارش ما نشان‌دهنده آن است که آیا رابطه ما با دیگران متمایز، پذیرنده، نامطبوع، رسمی یا خودمانی بوده است یا خیر. رسانه به‌عنوان واسطه بین مردم و واقعیت‌ها و رویدادها بایستی آینه وفادار

رخدادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باشد. خبرنگار و رسانه در حقیقت امانتدار مردم در دستیابی به اطلاعات هستند و باید این امانت را به خوبی ادا کنند. حق مردم در جامعه اسلامی بر رسانه‌ها این است که از اخبار مفید، لازم و منطبق با مصالح جامعه برخوردار باشند. قرآن کریم نیز دستور می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا ...» (سوره نساء: آیه ۵۸)، خداوند به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به اهل آن بازگردانید. در نظام اخلاقی اسلام مردم و جامعه مورد احترام‌اند و هیچ‌گاه و به‌هیچ قیمتی نباید آبرو و حیثیت مردم وجه‌المصالحه قرار گیرد.

در قرآن کریم بارها توصیه شده است که با مردم با لحن خوش سخن گفته شود؛ ازجمله این توصیه‌ها عبارت‌اند از: «... وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (سوره بقره: آیه ۱۷۳)، و با مردم به نیکویی سخن بگویید!؛ «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (سوره اسراء: آیه ۵۳)، و به بندگانم بگو با نیکوترین روش سخن گویند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ...» (سوره حجرات: آیه ۱۱)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردانی مردان دیگر را به مسخره گیرند، شاید آنان نزد خدا از اینان بهتر باشند و نباید زنانی زنان دیگر را به مسخره گیرند، شاید آنان نزد خدا از اینان بهتر باشند و عیوب یکدیگر را فاش نسازید و یکدیگر را با لقب‌ها و عنوان‌های بد یاد نکنید. یاد کردن مردم به بدی پس از ایمان آوردن آنان نارواست و کسانی که از این گناهان توبه نکنند، آنان ستمکارند.

از این آموزه‌های اخلاقی این اصل استخراج می‌شود که دست‌اندرکاران رسانه‌ها و خبرنگاران در برخورد با مردم و مخاطبان بایستی رعایت جنبه‌های ادب و احترام را داشته باشد و هیچ‌گاه زبان به کلام سبک و زشت نگشاید، نه تنها ارتباطگر مسلمان باید همواره با رعایت ادب اجتماعی با مخاطبان برخورد نماید بلکه به طریق اولی هیچ‌گاه نباید آبروی کسی را به صرف یک اتهام که هنوز اثبات نگردیده بر زمین ریزد؛ بنابراین حفظ حرمت مخاطبان و احترام به آنان به‌عنوان صاحبان امانت از مهمترین وظایف اخلاقی خبرنگاران و دست‌اندرکاران رسانه‌ها در نظام اخلاق اسلامی رسانه‌ای است. خبررسانی و اطلاع‌رسانی یکی از کارکردهای اصلی رسانه‌ها است و این کارکرد در کنار دو کارکرد دیگر شامل

آموزش و سرگرمی، یک رکن اساسی کار وسایل ارتباط جمعی را شکل می‌دهد. چنانچه اخلاق رسانه‌ای در اسلام تابع گفتمان و یا جهان‌بینی فراگیری بدانیم که احکام، اصول و ارزش‌های اسلامی را در سایر ابعاد زندگی بشر نیز تحت تأثیر قرار داده و چارچوب وظایف فرد مسلمان را در آن قالب روشن ساخته، اخلاق خبررسانی را نیز بایستی در ذیل جهان‌بینی و پارادایم تفکر، اخلاق و اصول اسلامی دانست. به دلیل رسالت حساس رسانه‌ها در برابر جامعه اسلامی، ضرورت دارد که در اطلاع‌رسانی، برجسته‌سازی رویدادها، انتخاب تیتراها و ارائه گزارش‌های ویژه، به جای تهییج بیهوده افکار عمومی و پیگیری سیاست‌های گروهی، قومی، طبقاتی و القای اندیشه‌ای خاص، به مصالح عمومی و به مباحثی که «فرهنگ دینی» را ارتقا می‌بخشد و مردم را به سوی خوبی‌ها سوق می‌دهد، پرداخته شود. از این رو، تشریح وضع مسلمین جهان، حمایت از رنج‌دیدگان، افشای جریان‌های تهدیدکننده، بازگویی تلاش انجام‌گرفته در جهت رفع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها و ... باید در سوژه‌پردازی به عنوان اصول اساسی به شمار آیند.

در کنار تمامی اصول اخلاقی حرفه‌ای رسانه‌ای اسلام رسالت اصلی خبرنگاران و دست‌اندرکاران رسانه‌ها، یعنی انعکاس مسائل و واقعیت‌های اجتماع و تلاش برای بهبود اوضاع جامعه و کمک به توسعه اجتماعی با در نظر گرفتن مصالح و منافع جامعه را نیز همواره مورد تأکید قرار می‌دهد.

رسانه در نظام اسلامی نه ابزاری مطلق در خدمت قدرت و نه تربیونی رها در دست افرادی است که به بهانه حقوق مردم و آزادی در پی کسب منافع نامشروع خود هستند. ارتباط‌گر مسلمان متناسب با مصالح و ضروریات توسعه همه‌جانبه در جامعه اسلامی علاوه بر حفظ حدود و رعایت اصول اخلاقی، چنانچه کژ و ناهنجاری مشاهده کند، صدای اعتراض خود را بلند می‌کند و رسالت حرفه‌ای خود را در اصلاح عیوب به کار خواهد بست؛ بنابراین با رعایت تمامی اصول اخلاقی یاد شده و نیز حفظ مصالح و منافع جامعه رسانه‌ها در جای خود، بایستی از وظیفه نقادی خود نسبت به فساد در دستگاه‌های مختلف نیز غافل نشوند که اگر این‌گونه شود به تعبیر امام علی (علیه‌السلام)

زیان‌کارترین مردم خواهند بود.

درمجموع می‌توان چنین اظهار داشت که رسانه در نظام اسلامی در فرایند خبررسانی و اطلاع‌رسانی همواره متوجه مصالح اساسی جامعه اسلامی است. حضرت علی (علیه‌السلام) در یکی از خطبه‌های خویش می‌فرماید: سینه‌اش مالا مال از اخبار و اسراری است که برای پیشگیری از انحراف آرای مردم از نقل عمومی آن پرهیز دارد. «و الله لو شئت ان اخبر كل رجل منكم بمخرجه و مولجه و جميع شانه لفعلت و لكن اخاف ان تكفروا في برسول الله صلى الله عليه وآله الا واني مفيضة الى الخاصه ممن يؤمن بذاك منه و الذي بعثه بالحق و اصطفاه على الخلق ما انطق الا صادقاً و قد عهد الي بذاك كله و بمهلك من يهلك و منجي من ينجو و مال هذا الامر» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۴)، به خدا اگر خواهم هر یک از شما را خبر دهم که از کجا آمده و به کجا می‌رود و سرانجام کارهای او چه بود، توانم. لیکن ترسم که درباره من به غلو روید و مرا بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم تفضیل نهید. من این راز را با خاصان درمیان می‌گذارم که بیمی از ایشان نیست و به آنان اطمینان دارم. به خدایی که او را به حق برانگیخت و بر مردمان برتری بخشید جز سخن راست بر زبان نمی‌آورم و رسول خدا مرا از این حادثه‌ها آگاه ساخته است و هلاکت آن‌کس را که هلاک شود و به رهایی آن را نجات یابد به من گفته است و از پایان کار خبر داده است.

در منطق اخلاق حرفه‌ای خبررسانی اسلام صرف داشتن و اطلاع داشتن از یک خبر، مجوز انتشار آن نیست بلکه باید رسانه اسلامی با در نظر داشتن مصالح و منافع جامعه اقدام به انتشار اخبار نماید. امام علی (علیه‌السلام) با تأکید بر این نکته که انتشار اخبار و اعلام مطالب باید با در نظر داشتن مصلحت زمانی و مکانی باشد؛ این چنین می‌فرماید: «لا تتكلمن اذا لم تجد للكلام موقعا» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۶، ص ۲۸۶)، اگر برای خود موقعیت مناسبی نیافتی، آن را ابراز مدار. ابراز نداشتن مطلب یعنی پوشیده نگاه داشتن آن و سر هر چیزی است که پوشانده نگاه داشته شود و تا زمانی که باید این چنین باشد، ابراز آن خیانت و خطا است. «افشاء السر سقوط» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۲۹) امام صادق (علیه‌السلام) افشاء سر را سقوط به ورطه هلاکت و منجر به پیامدها و عواقب

خطرناک برای جامعه می‌دانند.

قرآن کریم نیز مردم را از به‌زبان آوردن هر چه می‌دانند برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّاعُوا بِهِ...» (سوره نساء: آیه ۸۳). قرآن در سرزنش افراد یاد شده می‌فرماید: اینان هرگاه امر (و مطلبی و خبری) اعم از آنکه به صلاح (امنیت) جامعه باشد و یا موجب رعب و ترس جامعه آن را (بلافاصله) ابراز می‌دارند. سرانجام اینکه امام علی (علیه‌السلام) در یکی از نامه‌های خویش به این واقعیت اشاره می‌کند که برخی مطالب، اخبار و اسرار حتی برای رازدارترین افراد نیز نباید بازگو شود. «الا و ان لکم عندی ان لا احتجز دونکم سرّاً الا فی الحرب» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۰)، بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم (و خبری را از شما پنهان نکنم) جز راز جنگ که از پوشاندن آن ناچارم.

اصل اخلاقی دیگری که در همین زمینه باید رسانه اسلامی در خبررسانی به آن توجه کند و مبتنی بر رعایت ظرفیت‌ها و وضعیت مخاطبان است، اصل عدم اشاعه فحشاء و عدم ابراز آن است. اگرچه رهنمودهای اخلاقی اسلام در تمام عرصه‌های زندگی بشر و در ارتباطات فردی و اجتماعی در تمامی سطوح لازم‌الاتباع و تعیین‌کننده است، اما به دلیل اهمیت فوق‌العاده و حساسیت و تأثیرگذاری خارق‌العاده وسایل ارتباط جمعی بر افکار عمومی و سرنوشت اجتماع، توجه مجدد به این اصول و رهنمودها در حوزه عملکرد رسانه‌ها بسیار ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

اسماعیلی، محسن (۱۳۸۸. الف)، تعامل دین و رسانه از دیدگاه حقوق، قابل دسترسی در

<http://www.isu.ac.ir>

بانک اطلاعات نشریات کشور (۱۳۸۸)، متن کامل قانون مطبوعات، قابل دسترسی در

<http://www.magiran.com>، حوزه مطبوعات.

- بورن، اد (۱۳۷۹)، *بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه؛ ترجمه مهرسیما فلسفی*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات صداوسیما.
- بهرامی، محمد (۱۳۸۲)، *منابع حقوق در قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۳۴ (ویژه قرآن و حقوق (۱) تابستان).
- بهرامی، محمد (۱۳۸۸)، *قرآن و حقوق انسان*، مؤسسه پژوهشی فرهنگی فهیم، قابل دسترسی در: <http://fahim12.com>.
- پورعیسی، حمید (۱۳۸۸)، *رسالت اصلی رسانه‌ها و مطبوعات دفاع از حقوق ملت و منافع مردم*، پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان، قابل دسترسی در <http://www.ershad-gil.ir>.
- ترابی، احمد (۱۳۸۲)، *حق داشتن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۳۴ (ویژه قرآن و حقوق (۱) تابستان).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۵)، *غررالحکم و دررالکلم*؛ محمد علی انصاری، تهران: بی‌نا.
- حسنلو، محمد (۱۳۸۸)، *رسانه‌های قدرت و قدرت رسانه‌ها*، پایگاه باشگاه اندیشه قابل دسترسی در: www.bashgah.net.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳)، *تحریرالوسیله*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- شرفخانی، احمد (۱۳۸۸)، *عدالت در قرآن*، مقدمه مجموعه مقالات بیست و ششمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، جلد چهارم.
- کری، پیترو (۱۳۸۸)، «*حقوق رسانه‌ها در انگلستان*» معرفی کتاب از بهنام رضاقلی‌زاده، مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها همشهری، قابل دسترسی در سایت <http://www.hccmr.com>.
- کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۸۴)، *گفتگو در قرآن کریم*، قابل دسترسی در: <http://www.ommolketab.net>.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۷)، *وظایف رسانه‌ها*، پایگاه حوزه، قابل دسترسی در: <http://www.hawzah.net>.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، موسسه الوفاء
مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم: دانشگاه مفید.
مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، بی‌جا: بی‌نا.
مک‌براید، شن (۱۳۷۵)، یک جهان چندین صدا؛ ترجمه ایرج پاد، تهران: سروش.
ورام بن اُبی فراس (۱۳۶۹)، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام؛ ترجمه محمدرضا
عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

فهرست پایگاه‌های اینترنتی:

<http://www.quran-p.com>-
<http://fahim12.com>-
<http://www.bashgah.net>-
<http://www.radioresearch.ir>-
<http://www.hccmr.com>-
<http://www.isu.ac.ir>-
<http://www.magiran.com>-
<http://www.ershad-gil.ir>-
<http://www.ommolketab.net>-
<http://www.hawzah.net>